

نقش و جایگاه ادوارد گرانویل براون در ایران پژوهی (با تأکید بر کتاب تاریخ ادبیات ایران)

معصومه یدالله پورا^۱

چکیده

ادوارد گرانویل براون، شرق‌شناس انگلیسی آثار متعددی در زمینه مطالعات مربوط به ایران دارد که در این میان می‌توان به کتاب تاریخ ادبیات اشاره کرد. این اثر که خود تحت تأثیر شرق‌شناسان بزرگ اروپایی و شیوه‌های آن تدوین شده بود، بعدها در ایران سرمشق تاریخ ادبیات نویسان فارسی شد. هدف از این نوشتار بازگو نمودن نقش وی در ایران پژوهی است. از دید عالمان و محققان ادبی مقام وی به عنوان یک شرق‌شناس دوستدار فرهنگ مردم ایران ستودنی است. گسترده‌نگری ادوارد براون در زمینه ایران‌شناسی از یک سو و تکیه بر روایت و اسناد تاریخی از سوی دیگر سبب شده تا نظرها درباره وی گوناگون باشد؛ برخی وی را نقد می‌کنند و برخی دیگر وی را می‌ستایند. در این جستار که با روش کتابخانه‌ای انجام شده است، نویسنده نخست به معرفی کوتاهی از براون می‌پردازد و سپس نقش وی در ایران پژوهی را با تأکید بر کتاب تاریخ ادبیات ایران مطالعه و بررسی می‌کند تا جایگاه او از دید عالمان ادبی مشخص شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد در میان شرق‌شناسانی که به موضوع ایران پرداخته‌اند، براون سهم بسزایی در شناساندن ایران و ادبیات آن به اروپاییان دارد و اینکه بعد از چاپ این کتاب محققان ایرانی روش تاریخ‌نگاری روایی و رجالی صرف را در پژوهش‌های ادبی خود کنار گذاشتند و روشی را در پیش گرفتند که براون آن را در تاریخ ادبیات خود به کار گرفته بود.

کلیدواژگان: ایران، ایران پژوهی، تاریخ ادبیات، شرق‌شناس، ادوارد گرانویل براون.

مقدمه

شرق‌شناسان اروپایی از سده هفدهم میلادی به غرب، مرکز و جنوب آسیا راه یافتند. آنان به اهمیت و رونق زبان فارسی در منطقه وسیعی از آسیا مانند هند، عثمانی و ایران پی بردند. از این روی دریافتند که زبان فارسی افزون بر آنکه گنجینه غنی از ثروت ادبی است، می‌تواند با ذائقه ادبی آنان نیز سازگار باشد و همچنین ابزار مناسبی برای برقراری ارتباط در سرزمین‌های آسیایی نیز می‌تواند به شمار رود. بدین سبب اروپاییان در آموختن زبان فارسی همت گماشتند. انگلیسی‌ها پس از تأسیس کمپانی‌های شرقی در هند، تلاش کردند تا استفاده بیشتری از زبان فارسی کنند، به همین دلیل در کلکته، مدرسه و چاپخانه فارسی تأسیس کردند، به تعلیم و تدوین، ترجمه و چاپ آثار فارسی پرداختند. نتیجه این تلاش‌ها به تحقیق و تتبع شرق‌شناسانی چون کارل هرمان اته^۱، تئودور نلدهکه^۲ و ولنتاین ژوکوفسکی^۳ در زمینه ایران‌شناسی منجر شد همین تحقیقات زمینه را برای تلاش پروفیسور براون در زمینه تاریخ و ادبیات ایران فراهم کرد (براون، ج ۲: ۱۳۵۸: ۱۴).

ادوارد براون با آگاهی کامل از پیوستگی معنوی میان جریان‌های فرهنگی ایران و دیگر کشورهای اسلامی مباحث خود را محدود به قلمرو زبان فارسی نکرد و آفاق وسیع جهان اسلام را در نظر گرفت. از ویژگی‌های این اثر، نقل اخبار و افسانه‌های مربوط به شخصیت‌های تاریخی است که خواندن کتاب را لذت‌بخش می‌کند و دیگر آنکه وی از دیوان شاعران بزرگ یک یا چند نمونه نقل کرده و بدین ترتیب خواننده را با نمونه‌هایی از سخن فارسی تا حدی آشنا ساخته است (مؤید، ۱۳۷۰: ۷۶-۷۷).

در مورد نقش و جایگاه مستشرقان در ایران‌شناسی نظرهای متفاوتی وجود دارد و این که مستشرقان با تسلط بر زبان فارسی آثار متعددی را از خود به یادگار گذاشته‌اند، هر یک در جای خود قابل بررسی است. با توجه به جایگاه فرهنگی استعمار نوین در مباحث شرق‌شناسی به خصوص ایران‌شناسی و مسائلی چون دو رویه تمدن بورژوازی غرب در ایران نمی‌توان آثار این مستشرقان را به صورت کلی نفی کرد و مزایای آن را نادیده گرفت و این آثار را همواره در خدمت کشور استعمارگر به شمار آورد. یکی از این شرق‌شناسان که همواره او را مدافع ایران و علاقمند به فرهنگ ایران معرفی کرده‌اند، ادوارد گرانویل براون است وی در زمینه تاریخ و ادبیات ایران آثار

1. Carl Hermann Ethe
2. Noldeke Theodor
3. Valentin Zhukovski
4. Edvard Granville Browne

بسیاری دارد، به نحوی که تمام عمر خود را در این راه گذاشت. از آثار بنام وی کتاب تاریخ ادبی ایران است. این اثر سبب شده تا سبک جدیدی به تاریخ ادبیات ایران راه پیدا کند.

ادوارد براون نیز از جمله مستشرقانی است که در مورد وی نظرهای متفاوتی وجود دارد و گاهی آثار او را به طور کلی از دید منفی می‌نگرند، از این روی در این نوشتار تلاش بر آن است تا با مطالعه تاریخ ادبیات وی میزان علاقه و تلاش او را در این اثر مهم بیان کرده و تأکید شود که یک اثر علمی را چگونه باید شناخت و اظهار نظر نمود و این که یک مستشرق تا چه اندازه می‌تواند تلاش کند در فهم فرهنگ و تاریخ یک ملتی که بدان آشنا نیست.

با توجه به آنکه در کارش معایب و اشتباهاتی نیز وجود دارد، اما روش تدوین این کتاب بسیار علمی و روشمند است. وی تمام تحولات علمی، تاریخی، سیاسی و مذهبی را که در تحولات ادبی مؤثر است، در اثر خود بررسی کرده است (براون، ۱۳۷۵: ۶).

در مورد ادوارد براون، مترجمان و مصححان کتاب تاریخ ادبیات به طور مفصل در مقدمه به او و آثارش پرداخته، مزایا و معایب کارش را برشمردند. تحقیقات و مقالاتی به معرفی ادوارد براون و آثارش اختصاص دارد که در خور توجه‌اند، اما در این نوشتار تلاش شده با معرفی ادوارد براون و آثارش در یک مجموعه جایگاه این مستشرق از دیدگاه محققان و دانشمندان ادبی در ایران‌شناسی مشخص شود.

۱. زندگی‌نامه ادوارد گرانویل براون

براون خاورشناس نامور، در هفتم فوریه ۱۸۶۲ م در روستای اولی^۱ نزدیک به شهر دورسلی^۲ واقع در ایالت گلاسترشایر^۳ انگلستان به دنیا آمد. پدرش، بنیامین سال‌ها عهده‌دار ریاست یک شرکت مهندسی کشتی‌سازی بود به همین دلیل علاقه داشت تا پسرش راهش را دنبال کند. براون پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در مدرسه اتون^۴ ثبت نام کرد تا در رشته کشتی‌سازی به تحصیل ادامه دهد. اما به دلیل بی‌رغبتی به این رشته در سن ۱۶ سالگی دبیرستان را رها و پدرش این بار او را مجبور کرد تا در دانشگاه کمبریج به تحصیل طب بپردازد. در همین دانشگاه بود که براون به علاقه ذاتی خود فراگیری زبان‌های شرقی

1. Uley

2. Dursley

3. Gloucestershire

4. Eton

پی‌برد. او افزون بر تحصیل طب، اوقات فراغت خود را به فراگرفتن زبان ترکی اختصاص داد. در همین زمان سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه تزاری شعله جنگ بین روسیه و عثمانی را روشن کرده بود. براون که شاهد رشادت‌های ترکان در دفاع از مرزهایشان بود، انگیزه بیشتری پیدا کرد تا زبان ترکی را به شکل جدی‌تر بیاموزد تا شاید روزی در کنار ترکان بتواند با سیاست‌های استعماری روسیه تزاری مبارزه کند. براون پس از آموزش زبان ترکی به فراگیری زبان فارسی و عربی پرداخت (مینوی، ۱۳۵۱: ۳۹۹).

وی متوجه شد در بین زبان‌های شرقی، زبان فارسی برایش جذابیت بیشتری دارد و از صمیم قلب به ایرانیان عشق می‌ورزید و معتقد بود، در همنشینی وفادارتر از ایرانیان پیدا نخواهی کرد (شکوری، ۱۳۷۷: ۶۲).

هزاران جلد کتاب فارسی و عربی در کتابخانه شخصی براون وجود داشت. وسایل خانه براون مانند فرش و تزئینات اتاقش ایرانی بود. او فارسی را به شیوایی یک شیرازی صحبت می‌کرد و اشعار فارسی را از حفظ بود (صدیق، ۱۳۵۲: ۱۳۹-۱۱۵).

پروفسور کاول^۱ نخستین استاد زبان فارسی براون در دانشگاه کمبریج بود. او سپس آموزش زبان فارسی را نزد یک دوست هندی خود در کمبریج بر اساس کتاب گلستان ادامه داد. اشعار سعدی، اشتیاق او را به ایران و فرهنگ ایرانی بیشتر کرد (شکوری، ۱۳۷۷: ۵۰-۵۱).

براون پس از آشنایی با محمدباقر بواناتی که اهل شیراز بود و شخصیت شگفت‌انگیزی داشت، آموزش زبان فارسی را نزد این شخص نیز ادامه داد (مینوی، ۱۳۵۱: ۴۰۰). با آنکه در خلال سال‌های ۱۸۸۴-۱۸۸۷ م در بیمارستان لندن به تکمیل فن طبابت خود مشغول بود، اوقات فراغت خود را صرف خواندن و مطالعه کتاب‌های فارسی و اشعار حافظ می‌کرد. او در سال ۱۸۱۷ م در دانشگاه کمبریج استخدام شد، همین امر زمینه را برای سفر او به ایران فراهم کرد.

۲. خدمات علمی و فرهنگی ادوارد براون

براون در سال ۱۸۸۷ م راهی ایران شد. او به مدت یک سال در میان ایرانیان اقامت کرد و به شهرهای مهم ایران مانند شیراز، کرمان، اصفهان و یزد سفر کرد. نتیجه این سفر نگارش نخستین کتاب او با عنوان *یک سال در میان ایرانیان* بود. او در این کتاب افزون بر تجارب شخصی سفرش به ایران به وضعیت اقلیت‌های مذهبی مانند زرتشتیان و فرقه نوظهور بابیه پرداخته است^۲ (همان: ۴۰۴).

1. Cowell

۲. مانی صالحی این کتاب را به زبان فارسی ترجمه کرده است که یک مقدمه و ۱۸ فصل دارد.

گروهی از محققان بخش‌هایی از این کتاب براون را در واقع ترویج بایبی‌گری و حمایت وی از فرقه بایبه می‌دانند و او را مورد انتقاد قرار می‌دهند. اما مسئله این است که براون، مقالاتی را در مورد فرقه بایبه نوشت و تلاش‌هایی برای شناخت این فرقه انجام داد. ترجمه مقاله «سیاح»، ترجمه تاریخ جدید تألیف میرزا حسین همدانی و *نقطه الکاف* تألیف حاج میرزا جانی کاشی از مهم‌ترین تلاش‌های براون در شناخت فرقه بایبه بود (شکوری، ۱۳۷۷: ۶۴). مرحوم محمد قزوینی و تقی‌زاده علاقه براون به شناخت فرقه بایبه را فقط یک کنجکاوی تاریخی می‌دانند. او علاقمند به مباحث فلسفی و دین‌شناسی بود به همین دلیل پس از سرکوبی بایبه در ایران، به شناخت سرچشمه‌های فکری این فرقه توجه کرد. از این روی، ملاقات و مذاکره‌ای در کرمان با یکی از پیروان فرقه بایبه به نام شیخ ابراهیم سلطان‌آبادی داشت. شیخ ابراهیم معتقد بود که حاضر است خدا را در عکا به براون نشان دهد (براون، ۱۳۵۸، ج ۲: ۱۸-۱۹).

براون به دلیل معاشرت با افرادی که معتقد به فرقه بایبه بودند مانند عباس افندی (عبدالبهاء) مورد نقد قرار گرفت و متهم به حمایت و ترویج فرقه بایبه در ایران شد. البته بایستی یاد آور شد که براون پس از مطالعه کتاب ژوزف آرتور دوگوبینو^۱ به مباحث فلسفی و دین‌شناسی علاقمند شد و به دنبال همین علاقه مقاله‌های متعددی در زمینه مذاهب اسماعیلیه، حروفیه و شیخیه منتشر کرد (مینوی، ۱۳۵۱: ۴۰۴).

براون، ادبیات را وسیع‌تر از شعر و نثر می‌دانست به همین دلیل وارد مقوله‌های مذهب، فرهنگ و تاریخ شده است. وی پس از بازگشت به انگلستان منصب استادی دانشکده طب را پذیرفت و سمت استادی زبان‌های عربی و فارسی را به عهده گرفت. او در این منصب منشأ خدمات بسیاری به اسلام و ایران شد. علاقه او به ایران و جهان اسلام و هم‌زیستی عمیق او با ایرانیان موجب گردید تا کتاب‌ها، رساله و مقاله‌های بسیاری بنویسد و در زمینه ترجمه و تصحیح ادبیات کلاسیک ایران گام‌های مهمی را بردارد. پس از آنکه براون به ریاست انجمن اوقاف گیب^۲ انتخاب شد با همکاری علامه محمد قزوینی چندین کتاب ادبی را با هزینه آن انجمن به چاپ رساند (همان: ۴۰۶).

یوهانس توماس پیتر دوبروین^۳، ایران‌شناس مشهور، تلاش براون برای نظم بخشی به چاپ آثار کلاسیک فارسی مانند *لباب‌الالباب* عوفی و *تذکره الشعراء* دولت‌شاه سمرقندی را بسیار باارزش می‌داند (کریمی حکاک، ۱۳۷۸: ۴۹۴).

1. Joseph Arthur de Gobineau

2. Gibb

3. Johannes Thomas Pieter de bruijn

براون بین سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۰۵ م با تحولات سیاسی ایران همراه شد. او که فردی آزادیخواه بود، با انقلاب مشروطه و مشروطه‌خواهان همگام شد. وی تلاش کرد با انتشار مقاله و کتاب‌های خود، انقلاب مشروطه ایران را یک انقلاب ملی نشان دهد. وی می‌خواست جلوی تبلیغات ضد ایرانی را که در غرب علیه انقلاب مشروطه در جریان بود بگیرد (براون، ۱۳۲۹: ۱۰؛ مینوی، ۱۳۶۷: ۴۰۷-۴۱۰) بنابراین، کمک‌های مالی و فکری فراوانی کرد به ایرانیانی که در مبارزه با استبداد به اروپا پناهنده شده بودند و این حمایت‌ها فراموش شدنی نیست.

خانه او در کمبریج نیز پناهگاه امنی برای مشروطه‌خواهان ایرانی بود. براون در میان آشفستگی‌های سیاسی مشروطه ایران کتاب *انقلاب ایران* (۱۳۲۹) و مجموعه ۹۱ نامه *براون به سیدحسن تقی‌زاده* (۱۳۵۴) را نگاشت. این نامه‌ها به اهتمام استاد ایرج افشار و عباس زریاب خویی به چاپ رسیده است. از آنجا که براون این نامه‌ها را به زبان فارسی نوشته، ارزش ادبی و سیاسی زیادی دارد.^۱ کتاب *طب اسلامی* (۱۳۵۱) اثر بارزش دیگر براون که آن را مسعود رجب‌نیا به فارسی ترجمه کرده است. این کتاب افزون بر بیماری‌ها به شرح حال پزشکان بزرگ جهان اسلام نیز اشاره دارد. محمود نجم‌آبادی این کتاب را به دلیل برخورداری از فهرست موضوعی مناسب و تسلط براون بر زبان‌های فارسی، ترکی، عربی، تسلط تخصصی براون به مباحث کتاب به دلیل مهارت پزشکی‌اش و سرانجام قضاوت‌های بی‌طرفانه‌اش را قابل ستایش می‌داند (براون، ۱۳۷۱: ۱۷).

اما آنچه که نام براون را در کنار نام بزرگ‌ترین شرق‌شناسان جاودانه کرد، تاریخ ادبیات او است. براون این کتاب را حاصل عمر خود می‌داند. اگرچه پیش از براون، خاورشناسانی چون ژول مول^۲ و کازیمیرسکی^۳ گام‌هایی در این زمینه برداشته بودند، اما کامل‌ترین اثر شرق‌شناسان در زمینه تاریخ ادبی ایران اثر ادوارد براون است (همان: ۱۹).

براون در کتاب خود برخلاف نوشته‌های جیمز جاستی‌نین موریه^۴ در کتاب *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* به دنبال نقاط ضعف فکری و سیاسی ایرانیان نبود. او حتی به مترجم ویلسون، رئیس جمهور آمریکا در جنگ جهانی اول گفته بود اگر می‌خواهی با ایرانیان گرم شوی باید در مورد قصیده‌های جامی، حافظ و هاتف حرف بزنی نه کتاب حاجی بابای اصفهانی چراکه موریه در این کتاب از ایرانیان به تلخی یاد کرده است (همان: ۲-۳).

۱. ر. ک به: براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۷۱). *یک سال در میان ایرانیان*. ترجمه و حواشی ذبیح‌الله منصوری. تهران: کانون معرفت.

۲. Jules Mohl

۳. Kazimirski

۴. James Justinian Morier

۳. تاریخ ادبی ایران

ادوارد براون کتاب خود را هنگامی نوشت که ناچار به استفاده از نسخه‌های خطی موجود در اروپا یا چاپ‌های سنگی قرن نوزدهم بود. او برای معرفی این ادبیات وسیع می‌بایست به تحقیقات دانشمندان اروپایی و معلومات دوستان ایرانی خود تکیه می‌کرد و به تذکره‌های قدیم توسل می‌جست، زیرا پژوهش در زمینه تاریخ ادبیات ایران از آغاز مورد توجه مستشرقان قرار داشت که این نویسندگان اغلب تذکره‌ها را منبع اصلی خود قرار می‌دادند.

در آغاز این قرن کتاب جامعی که زمینه‌های سیاسی و مذهبی ادوار شعر فارسی را روشن کند نبود. وی تلاش کرد تا این کمبود را برطرف کند و پیش از معرفی شاعران، اوضاع سیاسی و فکری محیط آنها را به خواننده بشناساند (مؤید، ۱۳۷۰: ۷۶). از این رو، در نگارش تاریخ ادبیات خود از منابع فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، عبری و سریانی بهره جست که همین امر اهمیت اثر او را چندین برابر می‌کند (براون، ۱۳۷۱: ۲). وی تاریخ ادبیات خود را در چهار جلد به نگارش درآورد:

جلد اول: از قدیمی‌ترین روزگار تا زمان فردوسی؛

جلد دوم: با عنوان فرعی از فردوسی تا سعدی؛

جلد سوم: نخست با عنوان تاریخ ادبیات فارسی تحت سیطره تاتار (۱۵۰۲-۱۲۶۵ م)؛

جلد چهارم: آخرین جلد از تاریخ ادبیات ایران با عنوان فرعی عصر جدید (۱۹۲۴-۱۵۰۰ م).^۱

۱. جلد اول را علی پاشا صالح در سال ۱۳۳۳ ش، ترجمه و با مقدمه، حواشی و توضیحات سودمندی به اهتمام انتشارات امیرکبیر در دسترس فارسی زبانان گذاشت. علی پاشا صالح در متن آن تصرفی روا نداشته و رفع شبهه و کاستی‌های آن را در حواشی گنجانده است (ر.ک به: براون، ادوارد گرانویل، ۱۳۵۸). *تاریخ ادبیات ایران*. از فردوسی تا سعدی. مترجم علی پاشا صالح. ج ۲. تهران: امیرکبیر.

نیمه نخست مجلد دوم شامل چهار فصل به اهتمام فتح‌الله مجتبیایی ترجمه و با مقدمه، حواشی و اصلاحاتی در ۱۳۴۱ ش انتشار یافت. این ترجمه در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۱ ش تجدید چاپ شد. عنوان ترجمه مجتبیایی؛ تاریخ ادبیات ایران از فردوسی تا سعدی است. پنج فصل نیمه دوم از جلد دوم را غلامحسین صدری افشار با عنوان از سنایی تا سعدی ترجمه کرد که سال ۱۳۵۱ ش به چاپ رسید و در سال ۱۳۵۷، ۱۳۶۶ و ۱۳۶۸ تجدید چاپ شد (ر.ک به: از فردوسی تا سعدی (مقدمه)، نیمه نخست جلد دوم، ترجمه فتح‌الله مجتبیایی).

کل مجلد دوم را علی پاشا صالح بار دیگر ترجمه کرد. مترجم نیز در این مجلد نیز به رفع نقایصی که خود براون در سرآغاز جلد دوم بدان اشاره کرده، همت گمارده است. در اینجا نیز هیچ تصرفی را در متن جایز ندانسته بلکه اصلاح نارسایی‌ها را با استفاده از تحقیقات جدید در حواشی ترجمه گنجانده است. او در ضمن انصاف می‌دهد که از براون بیش از آنچه در اوایل قرن بیستم میلادی برای او میسر بوده است، نمی‌توان توقع داشت (ر.ک به: از فردوسی تا سعدی (مقدمه)، نیمه دوم جلد دوم، مترجم غلامحسین صدری افشار). پیش از ترجمه‌های جلد اول و دوم به قلم علی‌اصغر حکمت به فارسی برگردانده شد و در ۱۳۳۷ ش با مقدمه مترجم و یادداشت‌های سودمند فراوان او با عنوان اصلی از سعدی تا جامی در انتشارات امیرکبیر نشر یافت و ۱۳۳۹، ۱۳۵۱ و ۱۳۵۷ به چاپ رسید. علی‌اصغر حکمت، مسبب و مشوق برگردان تمامی چهار جلد تاریخ ادبی ایران براون بود. او در سال ۱۳۰۴ ش که مفتش وزارت معارف بود، ترجمه این اثر بی‌سابقه را به وزیر معارف وقت پیشنهاد داد و پس از کسب موافقت براون ترجمه کتاب را به چهار تن که خود یکی از آنها بود واگذار کرد. حکمت پس از چندسالی وقفه وقتی که در ۱۳۱۹ ش عهده‌دار تدریس تاریخ ادبیات ایران در قرن نهم قمری شد، ترجمه ناتمام را پیگیری کرد و در سال ۱۳۲۶ ش آن را به پایان برد

جلد اول و دوم تاریخ ادبی براون یک تجربه موفق مقدماتی ایران‌شناسی گسترده و متنوع است. او در نگارش این اثر از تاریخ‌نگاری مورخان و شرق‌شناسان معاصر خود تأثیر پذیرفت. روش کار کارل بروکلمن^۱ در نگارش تاریخ ادبیات عرب یکی از الگوهای تاریخ‌نگاری براون بود. او با استفاده از روش بروکلمن و ترجمه و نقل متون نظم و نثر فارسی زمینه تألیفش را توسعه داد (براون، ۱۳۵۸: ج ۲: ۱۴).

براون همچنین از نوشته‌های شبلی نعمانی در کتاب شعرالعجم نیز بهره گرفت. شبلی از نخستین دانشمندان هندی اردو زبان است که تاریخ ادبیات ایران را مورد نقادی قرار داد (همان: ۱۵). افزون بر الگوپذیری براون از بروکلمن و شبلی نعمان در پاسخ به این پرسش که چه عاملی او را بر آن داشت تا تاریخ ادبیات ایران را بنگارد، می‌گوید هنگامی که آثار جذاب ژان ژول ژوسران^۲ مورخ فرانسوی زیر عنوان تاریخ ادبیات انگلستان را خواندم، آنقدر تحت تأثیر قرار گرفتم که تصمیم گرفتم تاریخ فکری ایرانیان و نبوغ ملی آنان در زمینه شعر، مذهب، حکمت و علوم را بنویسم. اگر کتاب ژوسران در کنار اثر براون قرار گیرد، تردیدی باقی نمی‌ماند که براون در گزینش روش تاریخ‌نگاری خود تا حدود زیادی بر روش ژوسران تکیه کرده است. عمده‌ترین خصلتی که اثر براون را همچنان جذاب نگه داشت به این علت است که براون از بیرون به فرهنگ ایران نگریسته و در این نگرش ذهنیت خود را از دست نداده است. در حقیقت او نگذاشت که فرهنگ بومی مورد مطالعه بر ذهن او چیره شود. در واقع این همان درسی بود که براون از شیوه تاریخ‌نگاری ژوسران آموخته بود. افزون بر آثار ژوسران، تاریخ مختصر مردم انگلیس اثر جان ریچارد گرین^۳ نیز بر لحن و روش کار براون در تدوین تاریخ ادبیات ایران تأثیر مهمی گذاشته است. وجود گرایش‌های فلسفی در شیوه کار براون، هنگام بررسی تفکر ایرانی و حضور ذهنیت مورخ، هنگام روایت متن

(ر.ک. به: از سعدی تا جامی (مقدمه)، جلد سوم، مترجم علی اصغر حکمت).

پیش از جلدهای دیگر و بخش اعظم آن در حیات مؤلف به قلم غلامرضا رشید یاسمی با نام تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر ترجمه شد. اما در سال ۱۳۱۶ ش انتشار یافت. یاسمی با موافقت کتبی براون در متن جرح و تعدیل‌هایی کرد و اطلاعاتی را بر آن افزود و پاره‌ای از مطالب آن را که برای ایرانیان در حکم توضیح و احضار بود، حذف کرد (ر.ک. به: از آغاز صفویه تا زمان حاضر (مقدمه)، جلد چهارم، مترجم غلامرضا رشید یاسمی) و ترجمه مجدد کامل آن با عنوان تاریخ ادبیات ایران؛ از صفویه تا عصر حاضر، مترجم بهرام مقدادی که در تهران سال ۱۳۶۹ چاپ شد.

براون کتابی با نام تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت گردآوری و تألیف کرد که محمد عباسی در ۱۳۳۵ آن را ترجمه و منتشر کرده است اگرچه تکیه اصلی این کتاب به تاریخ مطبوعات است مطابق نظر مترجم می‌توان آن را در حقیقت جلد پنجم از تاریخ ادبیات ایران به شمار آورد (ر.ک. به: براون، ادوارد گرانویل، ۱۳۸۶). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت. مترجم محمد عباسی، تهران: علم، ص ۹).

1. Carl Brockelmann
2. Jean Jules jussrand
3. John Richard Green

تاریخی، جذاب نگه داشتن زبان روایت از مهم‌ترین تأثیرپذیری براون از جان گرین است (کریمی حکاک، ۱۳۷۸: ۴۹۵-۴۹۹).

با وجود این وی نخستین کسی است که تاریخ ادبیات فارسی را از آغاز ظهور آن تا اوایل سده چهاردهم به شیوه‌ای تحلیلی-انتقادی بررسی و سیر و تحول تاریخی آن را به صورت جریانی گسترده و بهم پیوسته و بر اساس طرحی منسجم و جامع عرضه کرد. مؤلف، تاریخ مردم ایران و چگونگی حیات فرهنگی آنان را آنگونه که در ادبیتشان جلوه‌گر است بیان می‌کند. از این رو، شرح احوال، افکار و آثار ایرانیان را که به عربی است به تناسب دامنه کار خود با تفصیل بیشتر باز می‌گوید به همین سبب نام کتاب خود را به جای تاریخ ادبیات فارسی، تاریخ ادبیات ایران می‌گذارد (مجتبایی، ۱۳۹۳: ۳۰۶۴). بنابراین، به درستی تاریخ ادبیات براون را می‌توان به انبانی از اطلاعات و وقایع مجزا از یکدیگر تشبیه کرد که هم جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان می‌توانند از آن بهره بگیرند و هم متخصصان دانش ادبیات، چراکه او گاهی در کتابش پس از تاریخ‌نگاری روایی دانش ادبی را به شکل معرفت مستقل دنبال می‌کند. این دوگانگی در هر یک از مجلدات چهارگانه تاریخ ادبیات او قابل مشاهده است (کریمی حکاک، ۱۳۷۸: ۴۹۹-۵۰۰). در واقع آنچه که می‌تواند یک اثر را صرف‌نظر از مندرجات آن جاودانه سازد، خصلت‌های استثنایی اثر و نویسنده آن است. توجه به جریان‌های معاصر و تشخیص و ترجیح جریان‌های تجددخواه یکی از امتیازهای کتاب وی (جلد چهارم) به شمار می‌رود که در عین حال آغازگر جریان تجددخواه و نوظلبی در عرصه ادب می‌باشد (صدیقی و حسن‌لی، ۱۳۸۹: ۴۲). واقع‌گرایی و توجه به اجتماع و تأثیر اجتماعی ادبیات و توجه به مخاطب و زبان محاوره چند محور اصلی است که تعیین‌کننده ساختار تفکر مؤلف نسبت به ادبیات و تاریخ ادبیات است (همان: ۴۶-۵۰).

گیریابی شخصیت براون و سخن‌آوری او در کتاب تاریخ ادبی ایران از دیدگاه شرق‌شناسانی چون دوبروین نیز ستودنی است. وسعت نظر، آزادی‌گرایی، هم‌حسی عمیق براون با فرهنگ ایرانی و تلاش مستمر او در حفظ ارتباط و همکاری با زیدگان ادبی زبان فارسی هم‌عصر خود مانند محمد قزوینی از عوامل یگانه شدن تاریخ ادبیات براون است (کریمی حکاک، ۱۳۷۸: ۴۹۵-۴۹۶). البته محققان داخلی و خارجی افزون بر ستایش کتاب تاریخ ادبی براون، کاستی‌های کار براون را نیز نادیده نگرفته‌اند. خود براون در مقدمه جلد اول با انصاف و خضوع ادبی به نارسایی ترجمه‌های شعر فارسی و عربی در کتابش اعتراف کرده است و همچنین در پاسخ به ستایندهانش در دانشگاه کمبریج، روح فروتنی خود را نشان داده است و این بیت سعدی را خوانده است:

گر هنر داری و هفتاد عیب دوست نبیند به جز آن یک هنر (براون، ۱۳۵۸، ج ۲: ۴-۵).

ازین روی، همیشه اقدام خود را در تدوین تاریخ ادبی ایران بی‌اهمیت جلوه می‌داد و نوشته‌های خود را لایق ترجمه به زبان فارسی نمی‌دانست (براون، ۱۳۵۸، ج ۲: ۱۱).

محمدتقی بهار، سبک‌شناس نامدار نیز ضمن ستایش تاریخ ادبی به عنوان یک اثر گران‌بها می‌گوید، براون به دلیل فارسی زبان نبودن در فهم معانی و وزن اشعار اشتباه داشت (همان: ۱۱-۱۲). دوبروین (ایران‌شناس) براون را به نقض منابع در برخورد با تاریخ ایران باستان متهم می‌کند و این امر را از معایب کار او بر می‌شمارد (کریمی حکاک، ۱۳۷۸: ۴۹۴-۴۹۵). اما واقعیت این است که پس از ترجمه کتاب تاریخ ادبی ایران به زبان فارسی، محققان ایرانی روش تاریخ‌نگاری رجالی و روایی صرف را در پژوهش‌های ادبی کنار گذاشتند و روشی را در پیش گرفتند که براون آن را در تاریخ ادبیات خود به کار گرفته بود. عباس اقبال و سید حسن تقی‌زاده در مقاله و پژوهش‌های خود، روش جدیدی در پیش گرفتند و الگوی تازه‌ای در پژوهش برای نسل‌های آینده به جا نهادند، پس به دنبال تلاش شرق‌شناسانی چون براون در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم روش‌های جدیدی در پژوهش‌های ادبی، تصحیح متون مطرح شد که مبتنی بر تاریخ‌نگاری روایی همراه با تحلیل و تفسیر داده‌ها با تکیه بر شواهد و اسناد تاریخی بود (براون، ۱۳۵۸، ج ۲: ۱۵).

سرانجام براون در میان‌سالی با آلیس فرزند یکی از کارمندان دانشگاه کمبریج ازدواج کرد. این زن از هر لحاظ موافق افکار براون و همراه او بود و سهم بزرگی در موفقیت‌های علمی و اجتماعی عمر وی داشت. وی به دلیل بیماری قلبی در ۵ ژانویه ۱۹۲۶ م جهان را بدرود گفت و در زادگاهش آرام گرفت (شکوری، ۱۳۷۷: ۴۹-۵۶).

پس از انتشار خبر فوت ادوارد براون که عمر خود را صرف خدمت به ایران و فرهنگ ایرانی کرد، در جراید و برخی از محافل سیاسی ایران، بزرگداشت و سوگواری‌هایی برای او انجام گرفت و اشعاری نیز در مناقب و زحمات ایران‌شناسی او سروده شد (همان: ۵۷) و از سوی ایرانیان مورد قدردانی قرار گرفت.

برای نخستین بار علامه محمد قزوینی از صحبت او به اسلام و ایران یاد و از وی تجلیل کرد. تقی‌زاده نیز از او به نیکی یاد کرد. به پاس زحمات براون در سال ۱۳۱۴ ش یکی از خیابان‌های نزدیک به دانشگاه تهران را به یاد او ادوارد براون نام‌گذاری کردند و در ۱۳۱۷ ش مجسمه او را در کتابخانه دانشسرای عالی قرار دادند. همچنین به پیشنهاد عیسی صدیق، از سوی وزارت فرهنگ قرار شد به پاس قدردانی از زحمات براون هر ساله مبلغ ششصد لیره انگلیسی به دانشگاه کمبریج اختصاص داده شود تا در اختیار علاقمندان به تحقیق در حوزه ایران‌شناسی قرار گیرد (همان: ۱۱).

نتیجه‌گیری

به طور کلی نام براون به خاطر خدماتش در زمینهٔ ایرانشناسی، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه و تصحیح متون ادبی کلاسیک فارسی، دین‌شناسی و تاریخ‌نگاری، بنیان گذاشتن پایه‌های ایران‌شناسی در دانشگاه کمبریج و تربیت ایران‌شناسان برجسته چون نیکلسون جاودانه شد. به خصوص روشی که او در تاریخ‌نگاری ادبیات پیشهٔ خود ساخت، از سوی پژوهشگران داخلی چون مرحوم عباس اقبال و سید حسن تقی‌زاده دنبال شد و پس از او، پژوهشگران ایرانی، پژوهش مبتنی بر روایت‌های محض تاریخی و رجالی را رها کردند.

گسترده‌نگری براون در زمینهٔ پژوهش و علاقهٔ او به مباحث دینی، فلسفی، کلامی و تاریخی سبب شد تا نقد آثار و قضاوت در مورد شخصیت او دشوار شود و او از سوی پژوهشگران و شرق‌شناسان در معرض اتهام‌های سیاسی و طرفداری از فرقه‌های خاص چون بابیه قرار گیرد. اگر با دید علمی به تاریخ ادبیات براون نگریسته شود، با توجه به اشتباه و ایرادهایی که از سوی عالمان ادبی بر وی وارد شده، همواره تلاش وی در این اثر مورد تحسین قرار گرفته است و باید گفته شود که به دلیل همدلی و هم‌حسی و علاقهٔ وی به فرهنگ ایرانی، مهارت و زبان جذاب او در روایت کردن وقایع تاریخی و مباحث ادبی می‌توان ادعا کرد که اثر او هنوز میدان‌دار ادبیات کلاسیک زبان و فرهنگ فارسی است و در عرصهٔ رقابت، رقیب می‌طلبد.

کتابنامه

- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۲۹). *انقلاب ایران*. مترجم احمد پژوه. تهران: کانون معرفت.
- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۲۹). *تاریخ ادبی ایران؛ از آغاز صفویه تا زمان حاضر*. مترجم غلامرضا رشید یاسمی. ج ۴. چ ۲. تهران: جاویدان.
- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۵۱). *طب اسلامی*. مترجم مسعود رجب‌نیا. چ ۳. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۵۴). *نامه‌های ادوارد براون به سید حسن تقی‌زاده*. به اهتمام عباس زریاب خویی و ایرج افشار. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۵۸). *تاریخ ادبی ایران؛ از فردوسی تا سعدی*. مترجم علی پاشا صالح. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۷۱). *یک سال در میان ایرانیان*. ترجمه و حواشی ذبیح‌الله منصوری. تهران: کانون معرفت.
- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۷۵). *تاریخ ادبیات ایران (از صفویه تا عصر حاضر)*. مترجم بهرام مقدادی.

- تحشیه و تعلیق ضیاءالدین سجادی و دکتر عبدالحسین نوایی. چ ۲. تهران: مروارید.
- شکوری، ابوالفضل. (۱۳۷۷). «رجال، ادوارد براون (عظمت و اتهامات)». یاد. ش ۴۹-۵۰. بهار و تابستان. صص ۴۷-۷۶.
- صدیق، عیسی. (۱۳۵۲). یادگار عمر (خاطراتی از سرگذشت عیسی صدیق که از لحاظ تربیت سودمند تواند بود). تهران: دهخدا.
- صدیقی، مصطفی؛ حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۹). «نقد و بررسی سه کتاب از نویسندگان غیرایرانی با موضوع تاریخ ادبیات ایران». پژوهش‌های ادب عرفانی. ش ۱۵. پاییز. ۲۹-۵۴.
- کریمی حکاک، احمد. (۱۳۷۸). «ادوارد براون و مسئله اعتبار تاریخی». ایران‌نامه. ش ۶۷. تابستان. صص ۴۸۹-۵۰۲.
- مجتبایی، فتح‌الله. (۱۳۹۳). «تاریخ ادبی ایران». دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر احمد طاهری عراقی، مصطفی میرسلیم، نصرالله پورجوادی. ج ۶. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- مؤید، حشمت. (۱۳۷۰). «تاریخ ادبیات فارسی (مروری بر سوابق و نظری درباره آینده این فن)». ایران‌شناسی. ش ۹. صص ۷۱-۸۴.
- مینوی، مجتبی. (۱۳۶۷). نقد حال. چ ۳. تهران: خوارزمی.